



عوامل روان‌شناختی همسرآزاری با نگرش به آموزه‌های اسلامی

مهدی عباسی^۱

چکیده

مهم‌ترین هدف و حکمت در ازدواج، آرامش روانی است. این آرامش حاصل تأمین نیازهای زن و مرد و کامل شدن در پرتو ازدواج است. از این رو زن و مرد حرکت می‌کنند و مشکلات ازدواج را به تن می‌خرند تا به نتیجه عالی آن نایل آیند. اما این که در برخی مواقع هدف مهم خانواده محقق نمی‌شود، به علل و عواملی بستگی دارد. یکی از این علل، زن و مرد خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه اسباب آزار و اذیت یکدیگر را فراهم می‌آورند. بدخلقی، پرخاشگری، کنک‌کاری، تحقیر، ناسپاسی، منت گذاشتن، فحاشی، تهمت، سوءظن، سخت‌گیری در امور زندگی، بدرفتاری جنسی و ضایع کردن حقوق دیگری و ... از جمله موارد آزار و اذیتی است که احتمالاً همسران از سوی یکدیگر تحمل می‌کنند و متعاقباً کارآمدی ارتباط آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تدوین این عوامل و توجه دادن همسران به مصادیق آزار می‌تواند گام مهمی در کنترل همسرآزاری باشد. بنابراین ریشه‌های آزار و اذیت همسران به یکدیگر را می‌توان در پنج دسته عوامل فردی، زمینه خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و ساختاری در نظر گرفت. در این مقاله ریشه‌ها و عوامل روان‌شناختی همسرآزاری با توجه به آموزه‌های بلند اسلامی و تحقیقات علمی بررسی شده است.

۱. محقق و دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).





مقدمه

بر اساس نوع خلقت و آفرینش انسان، زن و مرد در ساختمان طبیعی خویش مکمل یکدیگر و هر یک به تنهایی ناقص و محتاج دیگری می‌باشند. مجموعه این نیازها موجب می‌شود تا زن و مرد به سوی هم حرکت کنند و بدین طریق، سکونت و آرامش یابند.^۱ از نظر قرآن کریم این سکونت و آرامش نتیجه رابطه زن و مرد در چارچوب روابط محکم آنهاست که این رابطه، خود از جنس دوستی و رحمت می‌باشد:

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون»^۲.

خداوند در این آیه اشاره به حکمتی برای ازدواج می‌کند که بدون آن، هیچ یک از اهداف خلقت انسان، دست یافتنی نیست و آن عبارت است از آرامش روانی. بدون آرامش روانی، نمی‌توان از کسی حتی انتظار تقوا داشت. بدون آرامش روانی، نه نسل سالم و صالح پدید می‌آید، و نه سازندگی اخلاقی و اجتماعی اتفاق می‌افتد و نه ارزش‌های دینی و آرمان توحید گسترش می‌یابد.^۳

این آرامش حاصل تأمین نیازهای زن و مرد و کامل شدن در پرتو ازدواج است. مرد احساس می‌کند که به هم‌دمی برای تکمیل شدن نیاز دارد؛ حرکت می‌کند و مشکلات ازدواج را به تن می‌خرد تا به نتیجه عالی آن نایل شود. زن نیز از محیط گرم خانواده خویش به درون خانه‌ای پا می‌نهد که همه چیز آن برای وی، تازه و بدون سابقه است. هر دو برای شریک شدن در عشق و محبت منصفانه‌ای می‌کوشند تا با کامل شدن از سوی یکدیگر، به زندگی‌شان معنایی متفاوت بخشند. حال اگر در قبال محبت و تلاشی که بروز می‌دهند، پاسخ محبت‌آمیز نگیرند و حتی در عوض آن آزار ببینند، دیر یا زود، این کانون رو به سردی می‌گذارد و روشن است که کمتر همسری با این وضعیت از زندگی لذت می‌برد.

این‌که هدف عالی ازدواج و تشکیل خانواده محقق نمی‌شود، به هر حال علی دارد.

۱. سید محمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲. روم / ۲۱.

۳. محمد محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده، ص ۲۲.



یکی از این دسته علل، آزاری است که زن و مرد به نحوی در بودن با هم و از سوی هم تحمل می‌کنند، به گونه‌ای که اگر این آزارها از زندگی آنها حذف شود، آرامش و لذت بردن از فضای خانواده به زندگی آنان بر می‌گردد. تحقیقات نشان داده است که ۶٪ زوجها هر ساله خشونت جدی زناشویی را تجربه می‌کنند. معمولاً نمونه ازدواج‌های دارای خشونت با مواردی هم‌چون جدایی مکرر، سطح پایین رضایت زناشویی و صمیمیت را در پی داشته^۱ که این موضوع ناکارآمدی خانواده را به دنبال خواهد داشت. تدوین ریشه‌ها و عوامل خشونت و آزار نسبت به همسر و توجه دادن همسران به مصادیق آزار، گام مهمی در کنترل همسرآزاری خواهد بود. از این رو در این نوشته سعی کرده‌ایم ریشه‌ها و عوامل همسرآزاری را با توجه به آموزه‌های اسلامی و تحقیقات انجام شده در عرصه‌های مختلف علمی بررسی کنیم.

مفاهیم اساسی

اولین بار پزشکان و روان‌پزشکان پدیده‌ای را با عنوان خشونت خانوادگی^۲ مطرح کردند. این پدیده از طریق مقاله‌های متعددی که در زمینه بررسی‌های بالینی در مورد کودکان کتک خورده نوشته شد، به افکار عمومی و متخصصان جامعه ارائه گردید.^۳ با وجود مشکلاتی که برای بررسی پدیده خشونت خانوادگی وجود داشت و هنوز هم وجود دارد،^۴ حداقل در آمریکا از دهه ۸۰، بررسی‌های متعددی صورت گرفته است.^۵ تحقیقات زمینه‌یابی که در آمریکای شمالی توسط گلن^۶ (۱۹۸۷) صورت گرفته بیانگر این نکته است که ۶٪ زوجها هر ساله خشونت جدی زناشویی را تجربه می‌کنند.^۷ سه دهه تحقیق در مورد خشونت خانگی، مشخص کرد که خانواده مکانی است که

۱. کار، آلان؛ خانواده درمانی، ترجمه غلامرضا تبریزی، ص ۳۶.

2. Domestic Violence.

۳. شهلا اعزازی، خشونت خانوادگی، ص ۲۹.

۴. در برخی جوامع ورود به محدوده ارتکاب برخی آسیب‌های خانواده، نوعی وارد شدن به حریم خصوصی افراد و ممنوع تلقی می‌شود، زیرا اکثر فرهنگ‌ها و جوامع، ازدواج و خانواده نشان‌دهنده محیطی «خصوصی» است که به روی افراد غریبه و به خصوص محققان بسته است (خشونت خانوادگی، ص ۳۱).

۵. همان، ص ۳۱.

6. N, Gellen.

۷. خانواده درمانی، ص ۳۵.





در آن، بیشترین صدمات به اعضای ضعیف وارد می‌شود. شکل‌های متفاوت پدیده خشونت، بررسی شده است و در مواردی از خشونت علیه مردان نیز نام می‌برند. البته مردان، درصد ناچیزی از قربانی‌ها را شامل می‌شوند.^۱

معمولاً مسئله عمده در خشونت زناشویی یا همسرآزاری را سوء رفتار با زن دانسته‌اند.^۲ لذا اخیراً علاقه فزاینده‌ای به تفاوت‌های جنسی در استعداد برای ارتکاب خشونت ابراز شده است. اما در خشونت‌های خانوادگی، که یکی از طرفین ازدواج به آزار دیگری می‌پردازد، شیوع برای دو جنس تقریباً برابر است. مطالعه بر روی کسانی که مدت‌های طولانی در مراکز روان‌پزشکی بستری بوده‌اند نشان می‌دهد که شیوع خشونت در مرد و زن تقریباً مشابه است.^۳

خشونت و پرخاشگری

اولین معنایی که از اصطلاح همسر آزاری به ذهن می‌رسد آزار و آسیبی است که به ویژه در موقعیت خشونت و پرخاشگری به فرد وارد می‌شود، زیرا پرخاشگری تلویحاً به قصد آسیب زدن یا به نوعی آزار دادن دیگری صورت می‌گیرد. مفهوم پرخاشگری نیز از رخداد‌های قبل یا بعد از عمل پرخاشگرانه استنباط می‌شود.^۴ پرخاشگری رفتاری است به قصد آسیب رساندن (جسمانی یا زبانی) به فردی دیگر یا نابود کردن دارایی دیگران. همان طور که می‌بینید در این تعریف، به مفهوم قصد توجه شده است.

از این رو اگر شخصی به طور تصادفی پای شما را در شلوغی آسانسور لگد کند و فوراً پوزش بخواهد احتمال نمی‌رود شما این رفتار را پرخاشگرانه بنامید.^۵ لذا آسیب زدن به دیگران روش‌های مختلفی دارد: تحقیر کردن، اهانت کردن، دشنام دادن (آسیب روانی) یا برای نابودی کسی تلاش کردن (آسیب بدنی). در هر مورد، قصد آسیب رساندن، یعنی تحمیل نوعی درد و رنج است. از چنین رفتارهای پرخاشگرانه در فضای خانواده معمولاً به خشونت خانگی تعبیر می‌شود.

۱. خشونت خانگی، ص ۳۸.

۲. کاپلان، هارولد و سادوک، بنیامین، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ج ۱، ص ۶۰۱.

۳. همان، ص ۲۵۶.

۴. همان، ص ۲۵۲.

۵. انکینسون، ریچال آل و همکاران، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران، ص ۴۱۲.

خشونت زناشویی

علاوه بر این که درباره خشونت خانگی تعاریف متعددی ارائه شده، مرتبط با این موضوع اصطلاحات متفاوتی نیز به کار رفته است. یکی از این اصطلاحات «خشونت زناشویی»^۱ است. خشونت زناشویی در معنای وسیع آن عبارت است از: بدرفتاری هر یک از زوجین با دیگری که به آسیب‌های جسمی یا روانی در طرف مقابل بینجامد.^۲ اما همان طور که در پی می‌آید، خواهیم دید که خشونت زناشویی در گستره وسیع‌تری به معنای همسرآزاری به کار می‌رود؛ زیرا ممکن است در همسرآزاری، قتل و ضرب و شتم دیده نشود، اما آزارها مزمن و تکراری بوده و زن یا شوهر ناآگاهانه، بدون دلیل یا به بهانه‌های بیهوده اقدام به آزردن همسر خویش کنند.

همسرآزاری در ادبیات دینی

برای این که بتوانیم بیان دقیقی از همسر آزاری در ادبیات دینی به دست آوریم، ناگزیر به بررسی چند موضوع هستیم:

- تبیین واژه آزار یا اذیت؛

- موارد و زمینه‌های آزر دیدن و آزار رساندن؛

- آزاررسانی از منظر آموزه‌های اسلامی.

مفهوم آزار (ایذاء) در لغت

ایذاء در ادبیات اسلامی به معنای اذیت کردن یا آزار رساندن به دیگری است. ابن فارس درباره این واژه می‌گوید: «چیزی است که از آن نفرت داری و آن را نمی‌پذیری.»^۳ راغب می‌نویسد: «أذی، زیانی است که به جاندار می‌رسد، به جانش، یا به جسمش، یا به پیامدهای دنیوی یا اخروی‌اش.»^۴ با توجه به این معنا می‌توان آزار را به سه بخش تقسیم نمود:

ضرر و زیانی که به روح و روان فرد می‌رسد؛ ضرر و زیان جسمی و زیانی که در هر

1. Marital Violence.

۲. حسین بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۵۸.

۳. الهمزة و الذال و الیاء، أصل واحد، و هو الشیء تنکره و لا تفر علیه. (معجم مقاییس اللغة: ماده «أذی»).

۴. «الأذی ما یصل إلى الحيوان من الضرر، إما فی نفسه أو جسمه أو تبعاته دنیویاً کان أو اخرویاً.» (مفردات الفاظ القرآن: ماده «أذی»).



گونه از پیامدهای رفتار آزار دهنده قرار داشته باشد، مانند تضییع حق در امور مالی و یا اخروی مثل ممانعت از عبادت. بی‌تردید این گونه پیامدها به نوعی متوجه روان و جسم، هر دو می‌شود.

مفهوم آزار در قرآن و حدیث

در قرآن و حدیث، کلمه «آذی» گاه به معنای ایجاد مزاحمت برای دیگران و تجاوز به حقوق آنان می‌آید، مانند:

«و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا»^۱

و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون آن که گناهی کرده باشند، می‌آزارند گاه به معنای اجرای قانون الهی درباره مجرم، تحمل رنج در راه انجام دادن وظیفه و گاه به معنای ناراحتی و رنج طبیعی نیز آمده است. اما آنچه در موضوع همسر آزاری مورد توجه و بررسی است، ایذاء به معنای اول (ایجاد مزاحمت برای دیگران و زیان رساندن) می‌باشد.

در متون حدیثی، آزار از لحاظ آزار رساننده، در دو گستره زبانی و یدی بیان شده است. پیامبر اسلام در حدیثی می‌فرماید: «مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند»^۲

در باره‌ای از احادیث نیز چیزهایی مانند ترساندن، نگاه آزار دهنده، شوخی آزار دهنده، سخن آزار دهنده، در گوشی حرف زدن آزار دهنده، آزار دادن با کارهای بیپوده، بوی آزار دهنده و عبادت آزار دهنده، به عنوان موارد آزار بیان شده است. بالاخره در گروهی دیگر از روایات مربوط به خانواده با موضوعاتی از قبیل خشم، غضب، بدخلقی، کتک زدن، تحقیر، ناسپاسی، منت گذاشتن، فحاشی، تهمت، سوءظن، سخت‌گیری در امور زندگی، بدرفتاری جنسی و ضایع کردن حقوق دیگری به عنوان موارد آزار و اذیت همسران مواجه می‌شویم.

۱. اجزاب / ۵۸.

۲. «... و المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه». (بخاری/انوار: ج ۲۷ ص ۵۳).

تعریف همسر آزاری

با توجه به مطالب بیان شده در معنای ایذاء (آزار) و بیان روایات دربارهٔ موارد آزار و اذیت، چند نکته در موضوع همسر آزاری قابل توجه است:

پیامد آزار، چیزی که مورد نفرت و عدم پذیرش زوجین است.

موارد آزردهن همسر در دو گسترهٔ رفتار (دید) و زبان (لسان) زوجین قرار دارند.

موارد آزار دیدن همسر در سه گسترهٔ روانی، بدنی و پیامدهای دنیوی و اخروی ناشی از مواردی از قبیل تضييع حقوق قرار می‌گیرد.

- از مواردی که در احادیث به عنوان آزار بیان شده به دست می‌آید که آزاررسانی می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه باشد.

بنابر نکات به دست آمده از مطالب فوق، می‌توان همسر آزاری را چنین تعریف کرد:

«هر گونه اقدام ناحق، آگاهانه یا ناآگاهانه از سوی یکی از زوجین در برابر دیگری که منجر به آسیب روانی، فیزیکی به فرد می‌شود، همسر آزاری نامیده می‌شود».

همسر آزاری از منظر اسلام

در اسلام، مطلق آزاررسانی، به دلیل این که تجاوز به حقوق دیگران است، مذموم و ممنوع شمرده شده است. در مقابل، رعایت حقوق دیگران و اجتناب از آزار رساندن به آنان، بارزترین نشانهٔ پیروی از اسلام است. اهمیت این ویژگی تا آن جاست که بدون آن نمی‌توان کسی را مسلمان نامید، زیرا پیامبر اسلام ﷺ تصریح می‌کند: «مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند.» و به طور کلی احادیثی که اشاره به موارد و زمینه‌های آزار و اذیت دیگران دارند؛ مانند کتک زدن، تحقیر کردن، ترساندن، نگاه آزار دهنده، شوخی آزار دهنده، سخن آزار دهنده، آزار بدنی و ... نشان می‌دهند هر کاری که موجب آزار مؤمنی شود نکوهیده و ممنوع است.^۱

هر چند مطلق مردم آزاری در اسلام، نکوهیده و ممنوع است و کیفر سختی در انتظار

۱. محمد محمدی ری‌شهری، دانش‌نامه میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۲.



مردم آزار است،^۱ اما آزدن کسانی که حقوق بیشتری بر فرد دارند، نکوهیده‌تر و برای سرنوشت آزاردهنده، خطرناک‌تر است. آزار رساندن به همسر، به دلیل این که حقوق بیشتری بر انسان دارد، خطرناک‌تر توصیف شده است. پیامبر خدا می‌فرماید: «هر زنی که با زبان خود، شوهرش را آزار دهد، خداوند از او هیچ توبه و فدیهای و هیچ عمل نیکی را نمی‌پذیرد - تا آن که شوهرش را راضی کند - گرچه روزها را روزه بگیرد و شبها را عبادت کند و بنده‌ها آزاد کند و اسبان تیز تگ، در راه خدا تجهیز کند. او جزء نخستین کسانی است که به آتش در می‌آیند. هم‌چنین است مرد، اگر به زنش ستم کند.»^۲ در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «بدانید که خداوند و پیامبر او بیزارند از مردی که به زنش زیان وارد می‌سازد تا جایی که زن حاضر شود چیزی به او بدهد و طلاقش را بگیرد.»^۳

ریشه‌ها و عوامل روان‌شناختی همسرآزاری

زمینه‌ها و عوامل همسرآزاری عبارت از نقایص و اختلالاتی هستند که به هر صورت کیفیت هم‌زیستی و همسری زن و شوهر را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد، به طوری که در برخی موارد اگر این عوامل تداوم پیدا کند به فروپاشی نظام خانواده منجر می‌شود و در غیر این صورت، دست‌کم لذت زندگی را به درد و رنج تبدیل خواهد کرد.

بی‌تردید با توجه به ابعاد وجودی و جنبه‌های متفاوت شخصیت انسان، نمی‌توان پدیده‌های زندگی او را صرفاً از دیدگاه روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و ... بررسی نمود. لذا نگاه جامع به شخصیت زن و مرد، شرایط اجتماعی و ویژگی‌های روابط افراد در خانواده، ما را به سه طیف از عوامل مرتبط با هم رهنمون خواهد شد که در پدیده‌ای مانند همسرآزاری مؤثر هستند:

اول: عوامل فردی که شامل ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی می‌باشد.

۱. «یسلط الجرب علی اهل النار، یتحلون حتی یتدو عظامهم، فیقولون: لم سلط علینا ذلک؟ فیقال: بایذناکم اهل الإیمان: بر دوزخیان، بیماری‌گری عارض می‌شود، چندان که از بس خود را می‌خارند، پوست و گوشت بدنشان کنده و استخوان‌هایشان پیدا می‌شود. پس می‌گویند: چرا این بیماری بر ما عارض شده است؟ پاسخ داده می‌شوند: زیرا شما اهل ایمان را آزار می‌دادید.» (همان، ص ۶۲).
 ۲. «أیما امرأة آذت زوجها بلسانها لم یقبل الله منها صرفاً ولا عدلاً ولا حسنة من عملها حتی ترضیه، و إن صامت نهارها و قامت لیلها و اعتقت الرقاب و حملت علی جباد الخیل فی سبیل الله، و کانت فی أول من یرد النار، و كذلك الرجل إذا کان لها ظالمًا.» (من لایحضره الفقیه: ج ۳، ص ۱۶؛ به نقل از دانش‌نامه میزان الحکمه، ج ۳، ص ۵۸).
 ۳. «ألا و إن الله و رسوله برهان من أضر بامرأة حتی تخلع منه.» (نواب الاعمال: ص ۳۳۸؛ به نقل از دانش‌نامه میزان الحکمه، ج ۳، ص ۵۸).

دوم: عواملی که به کیفیت ساختار خانواده و نوع تعاملات اعضای آن برمی‌گردد.
سوم: عواملی که مربوط به اجتماع و نسبت فرد با جامعه است.
در این جا به بررسی عوامل روان‌شناختی همسرآزاری می‌پردازیم.

۱. ویژگی‌های شخصیتی

صفات شخصیتی هر فرد آمادگی‌هایی برای پاسخ دادن به شیوه‌ای یکسان یا مشابه در موقعیت‌های مختلف می‌باشد. این مطلب برگرفته از نظریه شخصیت آلپورت^۱ است. وی بیان می‌کند که صفات، شیوه‌های با ثبات و بادوام واکنش نشان دادن به پدیده‌های محیطی هستند.^۲ بر اساس پژوهش‌های مبتنی بر روش تحلیل عاملی، صفات شخصیتی مشخص می‌شوند. پایداری هیجانی، برون‌گرایی، گشودگی، پذیرش و وظیفه‌شناسی از جمله این صفات شخصیتی هستند که عکس‌العمل افراد را به صورت نوعی در موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهند.^۳ بنابر صفات شخصیتی و با توجه به آموزه‌های دینی، ناتوانی در کنترل خشم (مربوط به عامل پایداری هیجانی در برابر روان‌رنجورخویی)، تنوع طلبی جنسی (لذت جویی) و سوء ظن و غیرت نابجا (روان‌رنجورخویی) را از جمله عوامل ایجاد آزار و اذیت در روابط زناشویی می‌توان برشمرد.

الف) ناتوانی در کنترل خشم

معمولاً در شخصیت‌های بی‌ثبات از نظر هیجانی، نوعی گرایش بارز به عملکرد بدون توجه به پیامدها، گرایش بارز نسبت به رفتار مرافعه‌جویانه، ناتوانی برای کنترل رفتارهای انفجاری ناشی از حملات خشم و خشونت، خلق بی‌ثبات و دم‌دمی وجود دارد. این افراد در برابر ناکامی تحمل اندک و آستانه تحمل پایین برای ابراز پرخاشگری دارند.^۴ لذا این افراد خیلی زود عصبانی می‌شوند و زمانی که خشم و غضب آنها فرو می‌نشیند از این‌که به اصطلاح از کوره در رفته‌اند ناراحت و پشیمان می‌شوند.

1. Allport.

۲. شولتز، دوان پی و دیگران، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۲۸۵.

۳. همان، ص ۳۲۵.

۴. کاپلان و سادوک، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ج ۱، ص ۴۸۰.





ناتوانی در عدم کنترل خشم، یکی از عواملی است که زندگی را برای اطرافیان به ویژه همسر و حتی برای خود فرد نیز تلخ و ناگوار می‌سازد. این ویژگی شخصیتی را در ادبیات دینی می‌توان به بد خلقی تطبیق نمود. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «سه [خصوصیت] است که برای زندگی صاحبش خوشی باقی نمی‌گذارد: کینه، حسد و بد خلقی».^۱ در آموزه‌های اسلامی بارها به بد خلقی با اهل و عیال گوشزد شده است، چرا که ممکن است مدت‌های طولانی موجبات آزار و اذیت همسر و فرزندان را فراهم سازد. این در شرایطی است که زن یا مرد برای حفظ خانواده خویش مجبور به تحمل است. از این رو یکی از ملاک‌های انتخاب همسر خوش خلقی بیان شده است. شخصی از امام رضا علیه السلام سؤال کرد که کسی به خواستگاری دخترم آمده است ولی مثل این که کمی بد خلق است. حضرت پاسخ دادند: «اگر شخص بد خلقی است، به او دختر نده!»^۲

ب) تنوع طلبی جنسی

شاید بتوان گفت طلاق خصوصاً در صورتی که با اکراه یکی از زوجین و رضایت دیگری انجام شود، بیشترین آزار را به بار آورد. کسانی که تنها به دلیل تغییر ذائقه جنسی از همسر خود جدا می‌شوند، یا این که با همسر دوم ازدواج کرده و البته به دلیل عدم پذیرش همسر اول اقدام به طلاق او می‌کنند، علاوه بر آزار همسر خویش به تضعیف پایگاه خانواده خویش مبادرت می‌کنند.

اسلام با توجه به واقعیت فزونی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان، چند همسری را با رعایت شروطی سخت (مانند عدالت) تجویز کرده است، اما این به معنای تنوع طلبی و رفتار خودخواهانه با زن نیست. هرگاه مرد بخواهد از این جواز شرعی و واقعیت اجتماعی، سوء استفاده کند و بی هیچ دلیلی، همسرش را طلاق دهد، این کار نزد خداوند متعال منفور است. از امام باقر روایت شده است: «خداوند از مردان پر طلاق و ازدواج (از روی تنوع طلبی) نفرت دارد.»

۱. «ثلاث لا یهنأ لصاحبهن عیش: الحقد والحسد، وسوء الخلق» (محمدی ری‌شهری: تحکیم خانواده، ص ۲۲۸ حدیث ۴۲۸).

۲. الکافی عن الحسن بن بشار الواسطی: «کتبت إلى أبي الحسن الرضا علیه السلام: إن لی قرابة قد خطب (لی) وھی حُلقة شیء. فقال: لا تزوجه إن کان شیء الخلق» (همان، ج ۶۳۲).

این مطلب درباره زنان هم صادق است. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: رسول خدا درباره مردی که چند بار ازدواج کرد و هر بار بدون دلیل (لغزش یا بدی زنش) همسرانش را طلاق داد، فرمودند: «خداوند عزوجل مرد و زن ذوّاق را لعنت می‌کند.»^۱ منظور از مرد و زن مطلق ذوّاق که در برخی روایات آمده، کسی است که به خاطر تغییر ذائقه جنسی ازدواج می‌کند و طبعاً در پی آن متارکه می‌کند.^۲

ج) سوء ظن (غیرت نابجا)

در فضای خانواده که به بیان قرآن کریم محیط انس و آرامش است، اگر قرار باشد برخی از سوء تفاهمات منشأ بدگمانی شود و هر کسی خودسرانه و دور از واقعیت، دیگران را متهم کند و به پی‌گیری و کشف خطاهای آنها بپردازد، هیچ اعتمادی بین افراد باقی نمی‌ماند و فضای انس و آرامش، به محیطی آلوده به بدبینی و کینه تبدیل می‌شود. لذا از نظر قرآن کریم برخی از این گمان‌ها پندارهایی غلط و گناه شمرده شده است.^۳

یکی از مظاهر چنین گمان‌هایی به تعبیر احادیث، به کار بردن غیرت نابجا درباره همسر است. غیرت یا حفظ ناموس در ادبیات دینی دو گونه است: غیرتی که مبنای آن وجود لغزشی در زن می‌باشد که خدا چنین غیرتی را دوست می‌دارد. نوع دیگر، به کار بردن غیرت نابجا، بدون وجود هیچ گونه لغزش و خطا در همسر است که به کار بردن چنین غیرتی درباره همسر مورد بغض خداوند می‌باشد.^۴ چنین بغضی نشان از پیامدها و آثار مخرب غیرت نابجا دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «از غیرت نابجا [نسبت به زنان] بپرهیز که زن سالم را به بیماری

۱. ح ۶۸۶، الکافی عن سعد بن طریف عن الإمام الباقر علیه السلام: «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَجُلٍ فَقَالَ: مَا قَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟ قَالَ: طَلَّقْتُهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: مَنْ غَيْرِ سَوْءٍ؟ قَالَ: نَيْمٌ، قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ تَزَوَّجَ فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: تَزَوَّجْتَ؟ قَالَ: نَيْمٌ، قَالَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ: مَا قَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟ قَالَ: طَلَّقْتُهَا، قَالَ: مَنْ غَيْرِ سَوْءٍ؟ قَالَ: مَنْ غَيْرِ سَوْءٍ، ثُمَّ إِنَّ الرَّجُلَ تَزَوَّجَ فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: تَزَوَّجْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَالَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ: مَا قَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟ قَالَ: طَلَّقْتُهَا، قَالَ: مَنْ غَيْرِ سَوْءٍ؟ قَالَ: مَنْ غَيْرِ سَوْءٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْغِضُ - أَوْ يَلْعَنُ - كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ، وَكُلِّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ» (همان، ص ۴۳۲، ح ۶۴۶).

۲. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۳. «يا ايها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم ...» ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها خودداری کنید که بعضی از آنها پندارهایی غلط و گناه است و درباره یکدیگر نجس و پرس و جو نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید ... (حجرات / ۱۲).

۴. «من الغيرة ما يحبب الله ومنها ما يبغض الله، فأما التي يحببها الله فالغيرة في الرية، وأما الغيرة التي يبغضها الله فالغيرة في غير رية.» (محمّدی ری‌شهری، تحکیم خانواده، ص ۴۳۳، ح ۶۴۸) و رسول الله صلی الله علیه و آله: «غیرتان إحداهما يحببها الله والاخرى يبغضها الله ... فالغيرة في الرية يحببها الله، والغيرة في غير رية يبغضها الله.» (همان، ح ۶۴۹).





می‌کشاند و پاکدامن را به بدگمانی او اندیشه گنهکاری، بلکه درباره آنان محکم کاری کن. آن گاه اگر عیبی دیدی در مجازات کوچک و بزرگ درنگ مکن و اگر لغزشی از آنان ثابت شد در حالی که زشتی آن گناه را عظیم می‌شماری در ملامت کردن، زیاده‌روی مکن»^۱

سوءظن و غیرت نابجا در برخی موارد اگر شدید باشد به اختلال شخصیت پارانوئید مربوط می‌شود. شخصیت‌های پارانوئید به طور کلی با سوءظن دیرپا و عدم اعتماد به اطرافیان مشخص می‌شوند. تقریباً همه آنها نگران نوعی آسیب دیدن و سوء استفاده از جانب دیگران هستند. مبتلایان به این اختلال به کرات وفاداری و قابل اعتماد بودن دوستان و بستگان خود را مورد پرسش قرار می‌دهند. چنین افرادی غالباً حسادت بیمار گونه دارند و بی‌دلیل در وفاداری همسر و شریک جنسی خود تردید می‌کنند.^۲ در هر صورت وجود چنین ناپهنجاری در فرد به دلیل وارد ساختن اختلال در روابط بین فردی و خانوادگی موجبات آزار اطرافیان را فراهم می‌سازد و چه بسا عدم درمان شخص یا عدم ترک برخی عادت‌های این گونه در حالت غیر مرضی آن، ادامه زندگی مشترک را برای همسر مشکل می‌سازد.

د) نگرش‌ها و ارزش‌های فردی

نوع نگرش و ارزش‌های شخصی فرد نسبت به یک پدیده سبک مواجهه با آن را تعیین می‌کند. نگرش یک روش نسبتاً ثابت در افکار و عقاید، احساسات و عواطف، و تمایلات رفتاری است.^۳ ارزش‌ها نیز میزان پایبندی به موازین اخلاقی را از جمله در روابط بین فردی تعیین می‌کند. ارزش‌های شخصی به اندازه‌ای در نوع رفتار مؤثر است که مانند صفات شخصیتی، تمایلات و انگیزه‌های نیرومند را نشان می‌دهند.^۴ برای مثال، خانواده در نظر فرد هر چه ارزشمندتر باشد، اهمیت بیشتری به آن داده می‌شود و دقت و مراقبت بیشتری در آن اعمال می‌گردد.

۱. «إيّاك والتعابير في غير موضع الغيرة؛ فإنّ ذلك يدعو الصحبة منهنّ إلى السقم، ولكن أحكم أمرهنّ، فإن رأيت عيباً فعجّل النكير على الصغير والكبير، فإن تعيّن منهنّ الرّيب فمظلم الذنب ويهون العيب.» (همان، ج ۶۵۱) و «إيّاك والتعابير في غير موضع خيرة؛ فإنّ ذلك يدعو الصحبة إلى السقم، والبرينة إلى الرّيب.» (همان، ج ۶۵۰).

۲. رجوع کنید به: کایلان و سادوک، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. مسعود آذربایجانی و همکاران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۳۶.

۴. شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۲۹۶.



بر این اساس گفته شده عدم پای‌بندی شخص به موازین اخلاقی، مهم‌ترین عامل همسر آزاری در اسلام شمرده شده است.^۱ عنایت خاص اسلام به این عامل را می‌توان از توصیه‌های فراوانش درباره حسن اخلاق به طور عام با همسر، دریافت. در روایتی آمده است: شخصی از امام حسن علیه السلام در مورد ازدواج دختر خود مشورت خواست. حضرت فرمود: «او را به ازدواج مردی پرهیزگار درآور؛ اگر دختری را دوست بدارد، وی را گرمی خواهد داشت و چنان‌چه او را دوست نداشته باشد، به وی ستم نخواهد کرد.»^۲ رسول گرمی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کسی دختری را به ازدواج فاسق دربیآورد، در هر روزی هزار لعنت بر او فرستاده می‌شود، و هیچ عملی از وی به آسمان نخواهد رفت و دعایش مستجاب نخواهد شد...»^۳

تحقیقات نیز نشان داده است که پدیده همسر آزاری بیشتر در افرادی دیده می‌شود که به انجام واجبات دینی پایبند نیستند. در جوامعی که افراد به فرهنگ و اصول اخلاقی مقیدتر هستند، زمینه‌های همسر آزاری در آنها به طور معناداری کمتر بوده است.^۴

۲. اختلالات روان‌شناختی

خانواده سیستمی است که بر اساس حضور ارکان آن، یعنی زن و مرد شکل گرفته است. از این رو هر گونه مشکل در این ارکان ممکن است این سیستم پیچیده را متاثر سازد. روابط میان زن و شوهر نیز خود بخشی از این سیستم می‌باشد که اختلالات روان‌شناختی در زن و مرد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چه بسا زنان و مردانی هستند که مثلاً به علت رفتارهای وسواسی همسر خویش از زندگی مشترک با وی لذت نمی‌برند و در اذیت و آزار قرار دارند.

یکی از جمله مشکلات رفتاری در افراد که سهم عمده‌ای در اذیت و آزار اطرافیان دارد خشونت و پرخاشگری است. گفته می‌شود خشونت و رفتارهای آزارگرانه زمانی

۱. بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۶۵.

۲. مکارم الاخلاقی: ص ۳۱۴؛ به نقل از: بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۶۶.

۳. «من زَوْجِ کریمه بفاسق، نزل علیه کل یوم ألف لعنة، ولا یصمد له عمل إلى السماء، ولا یستجاب له دعاؤه، ولا یقبل منه صرف ولا عدل.» (محمدی ری‌شهری: تحکیم خانواده، ص ۱۰۴، ج ۱۰۵).

۴. بشیر نازپرور، همسر آزاری، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۲، بهار ۱۳۸۱، ص ۳۱.



روی می‌دهد که تعادل بین تکانه‌ها و کنترل درونی در هم می‌شکند. هر گونه شرایطی که افزایش تکانه‌های پرخاشگری را در زمینه کاهش کنترل فراهم نماید ممکن است به بروز خشونت منجر شود. موقعیت‌هایی که در آنها ترکیبی از عوامل ممکن است مشاهده شود مشتمل است بر حالات عضوی، ناتوانی‌های رشدی، روان‌پریشی آشکار، اختلال سلوک و استرس‌های شکننده روان‌شناختی و محیطی.^۱

اما رفتارهای پرخاشگران خود ناشی از علل و اختلالاتی است. برخی از اختلالات ذکر شده بر اساس چهارمین ویراست «راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV)» که با خشونت و رفتار پرخاشگرانه ارتباط دارند عبارتند از: عقب‌ماندگی ذهنی، اختلال کمبود توجه، بیش‌فعالی، اختلال سلوک، اختلالات شناختی (دلیریوم، دمانس)، اختلالات پسیکوتیک (اسکیزوفرنی، اختلالات پسیکوتیک که به گونه‌ای دیگر مشخص نشده است)، اختلالات خلقی (اختلال خلقی ناشی از یک اختلال طبی کلی، اختلال خلقی ناشی از مصرف مواد)، اختلال انفجاری متناوب، اختلال انطباق با آشفته‌گی سلوک، اختلالات شخصیتی (شخصیت پارانویید، شخصیت ضد اجتماعی، شخصیت مرزی، شخصیت خود شیفته) و محور کدهای V (رفتار ضد اجتماعی کودک، نوجوانی و بزرگسالی).^۲

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف) پرخاشگری

عوامل رفتاری، فرهنگی، بین فردی و روانی، تماماً در ایجاد همسر آزاری دخالت دارند. اما تحقیقات نشان داده است که شوهران بدرفتار اغلب از خانواده‌هایی برآمده‌اند که رفتار خشن در آنها عادی بوده و شخص از دوران کودکی شاهد کتک خوردن زن‌های خانواده بوده یا خود هدف آزار قرار گرفته است. خود عمل به دوام آن کمک می‌کند. وقتی مردی یک بار زن خود را کتک زد، احتمال این که مجدداً دست به این عمل بزند بسیار است. مردانی که نسبت به همسران خود خشونت به خرج می‌دهند اغلب افرادی ناپخته، وابسته و متزلزل بوده و از احساس عمیق بی‌کفایتی در رنج‌اند. پرخاشگری آنها رفتار آزارنده‌ای است که برای تحقیر زن‌هایشان به منظور جبران

۱. کابلان و سادوک، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ج ۱، ص ۲۵۲.
 ۲. همان، ص ۲۵۳.

اعتماد به نفس پایین خودشان اختصاص یافته است. بدرفتاری بیشتر زمانی روی می‌دهد که شوهر در منزل، محیط کار، یا در مقابل دوستان احساس تهدید یا ناکامی می‌کند. شوهر بدرفتار، بی‌حوصله و تحریک‌پذیر، حس تهاجمی خود را که به وسیله دیگران برانگیخته شده است، لفظاً و جسماً به همسر خود منتقل می‌سازد. انگیزه‌های روانی عمل مشتمل است بر: همانندسازی با پرخاشگر (پدر، کارفرما)، رفتار آزمایشی (آیا هر کاری که با او بکنم باز هم با من خواهد ماند؟)، میل مسخ شده برای ابراز مردانگی، و تحقیر کردن زن، در این جا نیز مثل تجاوز به عنف، وقتی زن از نظر شوهر ملک طلق مرد شمرده شود، پیداست که خشونت نسبت به او جایز شمرده می‌شود.^۱ بنا به نظریات مختلف در حوزه روان‌شناسی، پرخاشگری رفتاری است که در پس انگیزه‌های روانی می‌آید. برخی از این نظریات عبارتند از:

یکم) پرخاشگری به عنوان رفتار غریزی:

پرخاشگری واکنش در مقابل توقیف یا ابطال خواهش‌های لیبیدویی (ناشی از غریزه زندگی) تلقی می‌شود. در این دیدگاه، پرخاشگری نه جزء خودکار و نه غیر قابل اجتناب زندگی شمرده شده است. غریزه دیگری در انسان هست (غریزه مرگ) که انرژی آن معطوف به تخریب و خاتمه دادن به زندگی است. تمام رفتار انسان از تعامل پیچیده این غریزه و غریزه زندگی، و تنش مداوم بین آن دو ناشی می‌گردد.^۲

دوم) ناکامی عامل پرخاشگری:

تنها عامل بسیار مهم که افراد بشر را به پرخاشگری وا می‌دارد، ناکامی است. بر اساس نظریه جان دالرد^۳ (۱۹۳۹) هر گاه کسی در تلاش برای دستیابی به هدفی ناکام بماند، سابق پرخاشگری فعال می‌شود و این نیز به نوبه خود رفتاری را برای آسیب رساندن برمی‌انگیزد.^۴

۱. همان، ص ۶۰۱ و ۶۰۲.

۲. همان، ص ۲۵۶.

3. John Dollard.

۴. اتکینسون و همکاران، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ص ۴۱۳.





بررسی دقیق قرائن موجود حاکی است که نقش ناکامی در به وجود آوردن یا نیاوردن پرخاشگری آشکار به طور عمده به دو عامل بستگی دارد:

• اول: به نظر می‌رسد که ناکامی زمانی موجب افزایش پرخاشگری می‌شود که نسبتاً شدید باشد. اگر خفیف یا متوسط باشد ممکن است موجب تشدید پرخاشگری نگردد.

• دوم: قراین فزاینده حاکی است که ناکامی زمانی بیشتر احتمال دارد پرخاشگری بوجود آورد که ناحق و استبدادی تلقی شود تا منصفانه و به حق.^۱

سوم) تحریک مستقیم در ایجاد پرخاشگری:

بدرفتاری و اهانت کلامی دیگران غالباً عامل عمده‌ای در آشکار ساختن اعمال پرخاشگرانه در شخص است. وقتی پرخاشگری شروع می‌شود معمولاً الگویی فزاینده پیدا می‌کند و در نتیجه حتی ضربه‌ای خفیف و کلامی بی‌اهمیت ممکن است موجب شروع فرآیندی گردد که در آن تحریکات قوی‌تر و قوی‌تر مبادله شوند.^۲

گفته می‌شود خشونت زمانی روی می‌دهد که تعادل بین تکانه‌ها و کنترل درونی در هم می‌شکند. شخص ممکن است افکار یا تخیلات خشونت داشته باشد اما تا زمانی که کنترل خود را از دست ندهد، افکار تبدیل به عمل نمی‌گردند. هر گونه شرایطی که افزایش تکانه‌های پرخاشگری را در زمینه کاهش کنترل فراهم نماید ممکن است به بروز خشونت منجر شود. از جمله این شرایط برخی اختلالات روانی از جمله اختلال انفجاری متناوب است که به بروز پرخاشگری مرتبط می‌باشد.^۳

چهارم) یادگیری و بروز پرخاشگری:

در نظریه یادگیری اجتماعی، پرخاشگری به عنوان پاسخ هیجانی آموخته شده

۱. کاپلان و سادوک، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

تلقی می‌شود. طبق نظر بندورا (۱۹۷۷) پرخاشگری ممکن است از راه مشاهده یا تقلید آموخته شود و هرچه بیشتر تقویت شود احتمال وقوع آن نیز بیشتر می‌شود. لذا هر کس به علت عدم دستیابی به هدف، ناکام بماند یا به دلیل اتفاقات تنش‌زا دچار ناراحتی شود، هیجان ناخوشایندی را تجربه می‌کند. پاسخی که این هیجان منفی فرا می‌خواند بستگی دارد به این که شخص چه پاسخ‌هایی را برای کنار آمدن با موقعیت‌های تنش‌زا یاد گرفته باشد.^۱ تحقیقات نشان داده است که شوهران بد رفتار اغلب از خانواده‌هایی برآمده‌اند که رفتار خشن در آنها عادی بوده و شخص از دوران کودکی شاهد کتک خوردن زن‌های خانواده بوده یا خود هدف آزار قرار گرفته است.^۲

از این‌جا تأثیر خشونت‌های تلویزیونی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. کاپلان و سادوک بیان می‌کنند که هر چه کودکان فیلم‌های خشن‌تری را در تلویزیون تماشا کنند، خشونت بیشتری نسبت به دیگران نشان خواهند داد.^۳

ب) شرب خمر

در روایاتی که درباره شرب خمر به دست ما رسیده، دو نکته قابل توجه است: اول این که دسته‌ای از این روایات نسبت به ازدواج با شارب خمر و اطمینان به آنان و قبول شهادت آنها در مسئله‌ای گوش‌زد می‌کنند. رسول خدا ﷺ در روایاتی می‌فرمایند: «کسی که مشروب می‌نوشد هنگامی که مریض می‌شود به عیادتش نروید و به تشییع جنازه‌اش حاضر نشوید و هنگامی که شهادت داد او را تصدیق ننمایید و اگر از کسی خواستگاری کرد قبول نکنید و در امانت از او ایمن نباشید.»^۴ چنین کسی نه تنها در جامعه که مهم‌تر از آن در خانواده خاستگاه چنین مشکلاتی خواهند بود. از این رو در برخی احادیث به طور ویژه سفارش شده است که دخترتان را به ازدواج شارب‌خمر در

۱. اتکینسون و همکاران، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ص ۴۱۵.

۲. کاپلان و سادوک، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری = روان‌پزشکی بالینی، ج ۲، ص ۶۰۱ و ۶۰۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۵۷.

۴. «شارب الخمر لا یُعاد إذا مرض ولا یُشهد له جنازة ولا تُزکوه إذا شهد ولا تُزوجوه إذا خطب ولا تأتسوه علی أمانة» (محمدی ری‌شهری: تحکیم خانواده، ص ۱۰۴، ج ۱۵۱).





نیاورید^۱ و اگر کسی چنین کاری کند مثل این است که دخترش را به زنا داده است یا او را از خودش جدا کرده است.^۲

دوم این که در ضمن بیان علت تحریم شرب خمر از سوی خدای متعال در قرآن کریم، مکانیزم عمل مشروبات و مسکرات در بیان روایت استنباط می‌شود. امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال مفضل از علت تحریم خمر فرمود: «خداوند شراب را به علت تأثیر بد و فسادى که به وجود می‌آورد حرام کرد، زیرا میگسار دچار رعشه (اندام) می‌شود، نورانیت دلش از بین می‌رود، مردانگی و مروت را از دست می‌دهد، در ارتکاب کارهای حرام و خونریزی و زنا گستاخ و بی‌پروا می‌شود و در حال مستی و نابخردی هیچ بعید نیست که به محارم خود تجاوز کند. شراب بر شراب‌خوار جز شر و بدی نمی‌افزاید.»^۳ طبق تحقیقات به عمل آمده در عوامل پیش‌بینی کننده پرخاشگری، بیش از ۵۰ درصد کسانی که موجب دیگر کشی جنایی می‌شوند یا رفتار تهاجمی نشان می‌دهند، گزارش شده است که بلافاصله قبل از اقدام مقدار زیادی الکل مصرف کرده‌اند.^۴

مسلمان در زندگی زناشویی آزردهی هر یک از زوجین ناشی از عدم واکنش مناسب در موقعیت است و این واکنش‌های نامناسب نیز ریشه در عملکرد نا صحیح فرد در سطح شناختی و عاطفی دارد که می‌تواند با خویش‌داری در گفتار، رفتار، هیجانات و تمایلات فرد در ارتباط باشد. از سوی دیگر آن‌چه از مکانیزم تخریب‌گری مشروبات الکلی و مسکرات در آیات قرآن و روایات معصومین وارد شده است نیز بیشتر به خرابی و دگرگونی نیروی کنترلی انسان یعنی عقل اشاره دارد.^۵ در صورتی که نیروی کنترل و هدایت در فرد ضعیف شود نه تنها عکس‌العمل‌های نامناسب اجتماعی را در پی خواهد داشت، بلکه طبق بیان روایات فرد

۱. «من شرب الخمر بعد ما حرمها الله علی لسانی، فلیس یا هل ان یزوج اذاً خلب» (همان، ص ۱۰۴، ج ۱۵۲) و «شارب الخمر لا یزوج اذاً خلب» (همان، ص ۱۰۶، ج ۱۵۳).

۲. «ان من زوج ابنته شارب الخمر، فکأما قاده ا لی الزنا» (همان، ج ۱۵۴) و «الإمام الصادق علیه السلام: «من زوج کریمته من شارب الخمر فقد قطع رحمها» (همان، ج ۱۵۵).

۳. «عندما سأله المفضل عن علة تحريم الخمر: حرم الله الخمر لفعالها و فسادها، لأن مدمن الخمر تورثه الارعاش، و تذهب بنوره، و تهدم مروه، و تحمله علی أن یجترأ علی ارتکاب المحارم، و سفک الدماء، و رکوب الزنا، و لا یؤمن اذا سکر أن یتب علی حرمه و لا یقل ذلک، و لا یزید شاربها الا کل شر» (محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه).

۴. کاپلان و سادوک، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ج ۱، ص ۲۵۶.

۵. «فرض الله ... ترک شرب الخمر تحصینا للعقل، خداوند برای حفظ عقل، ترک شرابخواری را واجب گردانید» (نهج البلاغه: حکمت ۲۵۲) و «ان الله حرم الخمر لفعالها و فسادها؛ خداوند شراب را به علت تأثیر بد و تباهی‌زدایی آن حرام نمود» (البخاری، ۲۳/۱۳۶/۷۹ و ص ۵۰/۱۴۱ و به نقل از محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه: ج ۵۱۴۱).

را حتی به انکار خدای عزوجل و دروغ و تهمت بستن به او و پیامبرش و می‌دارد.^۱

۳. عوامل شناختی

نقص در قدرت شناخت و به عبارتی دیگر عدم پختگی زن و مرد، موجب رفتارهای نسنجیده و نامناسب با شرایط مختلف می‌شود. بنابراین هر که شناخت پیدا کند، آن شناخت او را به عمل و رفتار صحیح و مناسب رهنمون می‌شود و از این رو می‌توان نتیجه گرفت که کسی که به فراخور عمل نمی‌کند، شناخت ندارد.^۲

نقایص ناشی از ضعف شناخت، خود به عوامل دیگر مانند تحول نایافتگی شناختی، ضعف شناخت نسبت به شرایط مساعد ازدواج و انتخاب همسر، ضعف شناخت نسبت به وظایف، مسؤولیت‌ها، حقوق متقابل و ضعف شناخت نسبت به نیازهای متقابل زوجین وابسته می‌باشد.

الف) رشد نایافتگی شناختی

واکنش مناسب به رفتارهای دیگران نیازمند تحول یافتگی شناختی یا عقلی مناسب است. تحول نایافتگی زن و مرد در عقل و هوش عاطفی موجب رفتارهای نسنجیده و نامناسب می‌شود. این رفتارهای سازگارانه می‌تواند مدارا کردن با همسر، رازداری، نظم در زندگی، عدم تکرار اشتباهات گذشته، شناخت موقعیت و زمان، خویشتن‌داری در گفتار و ... باشد. چنین ویژگی‌هایی از کسی برمی‌آید که در عقل و هوش تحول یافته باشد. از این رو فرموده‌اند: خردمندترین مردم مداراکننده‌ترین آنهاست با مردم^۳ و سینه خردمند صندوق راز اوست.^۴ خردمند هر چیزی را در جای خود به کار می‌برد^۵ و یک اشتباه را دو بار تکرار نمی‌کند.^۶ انسانی که از عقل و خرد نسبتاً کامل برخوردار

۱. «حرم الله الخمر لما فيها من الفساد، و من تغییرها عقول شاربها، و حملها إیامه علی انکار الله عزوجل، و الفرقة علیه و علی رسله، و سائر ما یکون منهم من الفساد و الفتن. امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند شراب را حرام فرمود؛ زیرا شراب تباهی می‌آورد، عقل شرابخواران را دگرگون می‌کند و آنان را به انکار خدای عزوجل و دروغ و تهمت بستن به او و پیامبرش و می‌دارد و دیگر اعمالی چون تبهکاری و قتل که از شرابخواران سر می‌زند.» (عیون اخبار الرضا: ۲/۲۹۸ به نقل از محمدی ری‌شهری؛ میزان الحکمه: ج ۵/۱۴۳).

۲. «لا یقبل الله عملا إلا بمعرفة، و لا معرفة إلا بعمل، فمن عرف دتته المعرفة علی العمل، و من لم يعمل فلا معرفة له» (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳؛ به نقل از محمدی ری‌شهری؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۳۶۲، ج ۴/۶۲).

۳. «أعقل الناس أئدهم مداراة للناس» (محمدی ری‌شهری؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۳۹۲، ج ۴/۳۹۷).

۴. «صدر الماقل صندوق سره» (همان، ج ۴/۳۹۸).

۵. «هو (المائل) الذی یضع الشئ مواضعه ...» (همان، ج ۴/۳۹۹).

۶. «لا یسع المائل من جحر مرتین» (همان، ج ۴/۴۰۰).





است زمانه خود را می‌شناسد و به وظیفه خویش عمل می‌کند و در کنترل گفته‌های خویش توانمند است.^۱ خردمند به کم کاست دنیا در صورتی که با حکمت توأم باشد خرسند است.^۲

یافته‌های یک پژوهش نشان می‌دهد که هوش عاطفی و عوامل آن با رضایت زناشویی همبستگی مثبت معنادار دارد. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که هوش عاطفی به ویژه درک عواطف خود و دیگران می‌تواند تغییرات مربوط به رضایت زناشویی زوجین را پیش‌بینی کند. سوی مثبت همبستگی متغیرها در این پژوهش بیانگر آن است که با افزایش میزان هوش عاطفی، سطح رضایت زناشویی زوجین افزایش می‌یابد و در پی آن کیفیت روابط زناشویی و روابط اجتماعی آنها بهبود پیدا می‌کند.^۳ از آن جا که هوش در انجام رفتار سازگار بسیار مؤثر است، فاصله زن و شوهر در آن به فاصله در رفتارها می‌انجامد. افزون بر این، درک متقابل نیز در صورت تفاوت هوشی زیاد دشوار می‌شود و افراد در بروز واکنش مناسب، دچار تعارض خواهند شد.

ب) خطاهای شناختی

وقتی رویداد یا عملی را تجربه می‌کنیم، دست به تفسیر موقعیت بر حسب هدف‌ها و بهزیستی خود نیز می‌زنیم. پس هر یک از افراد هم قبل از ازدواج و هم پس از ازدواج بنا به میزان و کیفیت تجربه و برحسب هدفشان از تشکیل خانواده نسب به اهل و عیال خویش تفسیرهای شناختی خاصی دارند. این قبیل تفسیرها، ارزیابی شناختی نامیده می‌شود. بنابر نظر لازاروس، کانر و فولکمن (۱۹۸۰) واضح است که ارزیابی ما از موقعیت می‌تواند بر شدت و نوع هیجانات ما تأثیر بگذارد.^۴ مثلاً اگر دوستی به ما بگوید که تحمل دیدن ما را ندارد دچار خشم یا دل‌خوری می‌شویم اما اگر از جانب فرد ناشناسی باشد ممکن است اصلاً ناراحت نشویم.

تفسیر شناختی فرد از وجود همسر خویش چه در موقعیت‌های آرامش و چه در

۱. «علی الماقل آن یكون عارفاً بزمانه، مقبلاً علی شأنه، حافظاً للسانه» (همان، ح ۳۴۰۲).

۲. «ان الماقل رضی بالدنیا مع الحکمة...» (همان، ح ۳۴۰۳).

۳. احمد یارمحمدیان، رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی؛ تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ص ۲۶۲.

۴. اتکینسون و همکاران، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ص ۴۰۳.

مواقع اختلاف، در روش برخورد و ابراز هیجانات منفی مانند خشم و غضب مؤثر است. لذا یکی از عوامل همسرآزاری می‌تواند ارزیابی شناختی فرد از همسر خویش باشد. برخی در مواقع اختلاف با همسر خویش چنان برخورد تند و خشنی از خود نشان می‌دهند، مثل اینکه همسرش دشمن اوست. در صورتی که اگر این تفسیر اصلاح شود به این صورت که من فقط در این مورد خاص با همسرم اختلاف دارم، هیچ گاه راضی به ابراز خشم و اعمال خشونت نخواهد شد. از این رو در متون اسلامی مکرر به این نکته اشاره شده است که خیال نکنی اهل و عیال تو بدترین خلق نسبت به تو هستند! امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «زنان در پیش شوهرانشان هیچ ضرر و نفعی مستقل از آنان ندارند، و آنها امانات الهی هستند در نزد مردانشان، پس آنها را آزار ندهید و بر آنان تنگ نگیرید.»^۲

ضعف و خطای شناختی نسبت به زندگی زناشویی ممکن است به ابعاد مختلف زندگی سرایت پیدا کند از جمله: ضعف و خطای شناخت درباره وظایف و مسؤلیت‌ها، ضعف و خطای شناخت نسبت به حقوق متقابل زوجین؛ از قبیل نفقه، مهریه و...، ضعف و خطای شناخت نسبت به نیازهای متقابل؛ در مایحتاج زندگی، نیاز جنسی و ...

۴. مشکلات ارتباطی - عاطفی

همه ما به خوبی نیازهای جسمانی را می‌شناسیم؛ نیاز به غذا، آب، اکسیژن، گرما و غیره. ارضای این نیازها برای بقا ضروری است و باعث رشد جسمانی ما می‌شود و در صورت تأمین نشدن این نیازها جان انسان به خطر می‌افتد. اما انسان با نوع دیگری از نیازها نیز مواجه است و آن نیازهای روانی و عاطفی است. اگر این نیازها برطرف نشوند،

۱. «لا یکن اهلک أشقی الخلق بک» (محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده، ص ۳۲۴، ج ۲) و «لا یکن اهلک وذو ذک أشقی الناس بک» (محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده، ص ۳۲۴، ج ۲).

۲. «إن النساء عند الرجال لا یملکن لأنفسهن ضرراً ولا نفعاً، وإنهن أمانة الله عندکم، فلا تضاروهن ولا تضلوهن» (همان، ج ۲۲۲). روایتی طولانی با عنوان حدیث حواء درباره حقوق زن و شوهر بر یکدیگر وارد شدن است که قسمتی از آن که به بحث ما مربوط می‌باشد به این شرح است: مستدرک الوسائل - فی حدیث الحولاء - «... قالت الحولاء: یا رسول الله صلی الله علیک، هذا کله للرجل قال: «نعم» قالت: فما للنساء علی الرجال؟ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أخیرنی أخی جبرئیل، - ولم یزل یوصینی بالنساء حتی یلینت أن لا یحل لزوجها أن یقول لها: أف - یا یحسد، اتقوا الله عز وجل فی النساء، فإنهن عوان بین یدیکم، أخذتموهن علی أمانات الله عز وجل، ما استحللتم من فروجهن بکلمة الله وکتابه من فریضة وسنة وشریعة محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله، فإن لهن علیکم حقاً واجباً لما استحللتم من أجسامهن، وبما واصلتم من أبدانهن، ویحملن أولادکم فی أرحامهن، حتی أخذهن الطلق من ذلک، فاشفقوا علیهن، وطیبوا قلوبهن حتی یقنن مکنم، ولا تکروهوا النساء ولا تسخطوا بهن، لا تأخذوا منا أنفسهن شیئاً إلا برضاهن وإذنهن» (همان، ص ۲۷۲، ج ۳۳۱).





نمی‌میریم اما می‌توان گفت در برخی مواقع آرزوی مردن می‌کنیم. البته بیشتر نیازهای عاطفی و جسمانی ما به هم وابسته‌اند. از این رو است که محرومیت جسمانی به آزار روحی - روانی می‌انجامد و از آن سو ارضای جسمانی موجب ارضای عاطفی می‌شود.^۱ بنا بر تحقیقات عمل آمده، زوج‌های شاد و خوش‌بخت نسبت به زوج‌های ناسازگار، هم در اظهار و ابراز عواطف و هم در استنباط، تشخیص و دریافت عواطف عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند.^۲ گاهی اوقات به دلیل این‌که زن و مرد در برخی مهارت‌های ارتباطی اعم از کلامی و غیرکلامی ضعیف هستند نمی‌توانند آن گونه که شایسته و بایسته است با هم ارتباط برقرار سازند. از آن‌جا که غالب ارتباطات میان زوجین از طریق کلام و بروز رفتار شکل می‌گیرد، گستره عوامل اخلال در مهارت‌های ارتباطی را می‌توان در دو گستره کلامی و غیرکلامی تقسیم کرد.

الف) موانع ارتباط صحیح کلامی

بسیاری از افراد تصور می‌کنند دیگران از مقاصد و مسائل آنان آگاهی دارند و همین امر موجب می‌شود در روابط کلامی به بیان همه نکات نپرداخته، با کنایه و استعاره سخن گویند و یا در ابراز عشق و علاقه خود به همسر خویش ناکارآمد بمانند. استفاده از مفاهیم مبهم و عدم صراحت بیان در برخی مشاجرات خانوادگی موجب تشدید اختلاف می‌گردد.

ضعف ارتباط در سطح کلام عامل مهمی در ایجاد اختلاف همسران است. گاه به دلیل این‌که مرد یا زن در سطح ارتباط کلامی از مهارت لازم برخوردار نیست، همسر وی سال‌های متمادی رنج تعامل و معاشرت با وی را تحمل می‌کند در حالی که از این وضعیت آزرده خاطر است. و شاید با چند آموزش و چند ماه تمرین و به دست آوردن مهارت‌های کلامی این مشکل به راحتی برطرف گردد. از آن‌جا که ما در پی بررسی عوامل آزار و اذیت همسر هستیم، در این‌جا موانع ایجاد یک ارتباط کلامی را ذکر می‌کنیم.

۱. هارلی، ویلارد اف، چهار هدیه عشق، ترجمه شمس‌الدین حسینی - الهام آرام نیا، ص ۲۳.
 ۲. یارمحمدیان، رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی؛ تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ص ۲۶۴.

اول) بدزبانی و ناسزاگویی:

برخی افراد مبتلا به بدزبانی و ناسزاگویی هستند و گویی نمی‌توانند درست سخن بگویند و کلمات زیبا و لطیف بر زبان برانند. گاهی اوقات چنان برایشان عادت شده است که حتی بدون قصد و غرض کلمات زشت و رکیک به زبان می‌آورند و حتی با همسر و کودکان خود این چنین سخن می‌گویند. این روش از جمله چیزهایی است که زندگی را برای اطرافیان مکدر و رنج‌آور می‌سازد، به طوری که در متون اسلامی همسر بدزبان عامل تکدر و سختی زندگی شمرده شده است^۱ و بدترین مردان کسانی معرفی شده است که از جمله بدزبان و فحاش است.^۲

دو) لجبازی و مجادله:

در متون اسلامی به اثر مخرب جدال یا بگومگو در روابط انسانی اشاره شده است. خصوصاً از جدال و بگومگو در بین همسران به عنوان عامل آزار و اذیت یک‌دیگر نهی شده است. عمدتاً علت این امر این است که فرد می‌خواهد حرف خود را بر کرسی بنشاند. در حالی که فضای خانواده باید فضای گذشت و رأفت باشد، برای لذت بردن از آرامش آن، با مجادله تبدیل به میدان برتری جویی و رقابت می‌شود، زیرا کمترین چیز در مجادله همین برتری جویی است که با پیمان دوستی و محبت ازدواج سازگاری ندارد^۳ و نتیجه آن تضعیف روابط عاطفی بین افراد و جدایی است.^۴

از جمله عواملی که در فضای جدال‌های خانوادگی باعث اختلاف زوجین می‌شود، ایجاد دورویی^۵ و کینه‌ورزی^۶ برای رسیدن به همان برتری جویی است. در نتیجه از حرمت و احترام فرد می‌کاهد^۷ و راه برای هرگونه رفتار نامناسب باز می‌کند. از

۱. «تلاية تكذّر العيش: السلطان الجائر، والجار سوء، والمرأة البذية.» (مجمدی ری شهری: تحکیم خانواده، ص ۳۳۰، ج ۳۵۵).

۲. «ألا أخبركم بشرار رجالكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله، فقال: إن من شرار رجالكم البهات الجريء الفخاش، الأكل وحده، والمانع رده والضارب عبده، والملجئ عياله [إلى غيره]» (همان، ص ۲۶۸، ج ۴۲۶).

۳. «لا محبة مع كثرة مرء» (غررالحکم، ج ۷۱۹۴).

۴. «النراء يفسد الصداقة القديمة، ويحل العقدة الوثيقة، وأقل ما فيه أن تكون السغالية، والسغالية أمتن أسباب الفطيمة» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۹).

۵. «ایاکم و المرءة و الخصومة فانهما يمرضان القلوب على الاخوان و ينبت عليهما» (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۰).

۶. «ثمره المرء النشطاء» (غررالحکم، ج ۱۰۶۳۵).

۷. «لا تمار فيذهب بهاؤك، ولا تمارح فيجتراً عليك» (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۶ ج ۱۷).





این رو امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «جدال یا بگومگو بذر هر شر و بدی است.»^۱

سوم) منت گذاشتن:

خانواده نهادی است که پایه آن را زن و مردی با ویژگی‌های منحصر به فرد و متفاوت می‌سازند. مهم این است که برای رسیدن به اهداف عالی آن، زوجین یک‌دیگر را کامل می‌سازند. این در حالی است که هر یک به تنهایی نمی‌توانند این نهاد را تشکیل دهند. طبیعی است که هر کدام از آنها از جهاتی نسبت به دیگری مزیتی دارد، اما دلیلی برای آزار و اذیت همسر خویش با سخنان منت بار وجود ندارد.

ممکن است زن یا مرد به واسطه وضعیت مالی مناسب خانواده پدری خویش با توشه مالی بهتر یا به زندگی مشترک خویش بگذارد اما اگر قرار باشد مال و ثروت خویش را به رخ همسر خویش بکشد، تلخ‌ترین فضا را ایجاد کرده است که ممکن است به عقده‌های پنهان در همسر خویش منجر گردد. از این رو در متون اسلامی از این رفتارها به شدت نهی شده است به گونه‌ای که مثلاً زنی بر همسر خویش منت گذارد و بگوید تو از اموال من می‌خوری، اگر تمام اموال خویش را در راه خدا صدقه بدهد، ثواب تمامی اعمالش از بین می‌رود و خدا از او راضی نمی‌شود مگر این‌که توبه کند و رضایت خاطر شوهرش را فراهم سازد.^۲

چهارم) ناتوانی در بیان کلمات مهرآمیز:

برخی افراد برای ابراز عشق و محبت کم‌تر از الفاظ استفاده می‌کنند و خجالت می‌کشند. این خود موجب فاصله میان زوجین می‌گردد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: این کلام مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم» هیچ گاه از قلبش

۱. «المرء بذر الشر» (غررالحکم، ج ۱۰، ۶۳۳).

۲. «أینما امرأة منت علی زوجها بما لها فتقول: إینما تأکل أنت من مالی، لو أنها تصدقت بذلک المال فی سبیل الله، لا یقبل الله منها إلا أن یرضی عنها زوجها» (محمّدی ری‌شهری: تحکیم خانواده، ص ۳۳۳، ج ۶۶۶) و «لو أن جمیع ما فی الأرض من ذهب وفضة حملته المرأة إلی بیت زوجها، ثم ضربت علی رأس زوجها یوماً من الأيام، تقول: من أنت؟ إینما المال مالی، حبط عملها ولو کانت من أعبد الناس، إلا أن توب وترجع وتتندر إلی زوجها.» (همان، ج ۶۶۷).

بیرون نخواهد رفت.^۱ دیده می‌شود که همسران در ابراز کینه و عداوت خویش بسیار بی‌پروا عمل می‌کنند و هیچ‌گونه خجالت مانع آنان نمی‌گردد، اما بسیار به ندرت محبت خویش را نسبت به همسر خود به زبان آورده‌اند.

ب) موانع ارتباط صحیح غیر کلامی

یافته‌های تحقیقی نشان می‌دهند که اطلاعات مربوط به حالات درونی ما غیر از زبان، غالباً از طریق حالات چهره، نوع نگاه، تن صدا، حرکات بدنی و تماس بدنی نیز منتقل می‌شود.^۲ در فرآیند ادراک متقابل در فضای عاطفی خانواده، مرد و زن از این طرق از عواطف و احساسات دیگری مطلع می‌شوند که در این مسیر عواملی باعث ایجاد اختلال در برقراری ارتباط غیر کلامی مناسب می‌شود. برخی افراد بدون توجه به نیازهای عاطفی همسرشان کارهایی انجام می‌دهند که خواسته یا ناخواسته موجبات رنجش خاطر وی می‌شوند.

اسلام به گونه‌ای دقیق همسران را به رفتارهای حاکی از بی‌مهری عاطفی نسبت به یک‌دیگر توجه داده است. برای مثال تنها غذا خوردن مرد را در صورتی که منشأ بی‌توجهی و بی‌مهری داشته باشد، منع کرده است. در حدیثی از رسول گرامی اسلام ﷺ مردی که با بی‌توجهی به همسرش تنها غذا بخورد از بدترین مردان شمرده شده است.^۳ طبعاً پیامی که از این گونه رفتارها به همسر ارسال می‌گردد، پیام مثبتی نخواهد بود. تکبر، عدم شکرگزاری، انتظارات بی‌جا و ناکارآمدی در ایجاد رابطه زناشویی در زوجین به نحوی می‌تواند ارتباط عاطفی آنها را تحت‌الشعاع قرار دهد و باعث آزار همسر گردد.

اول) تکبر:

در روابط غیرکلامی، خود برتری‌بینی و تکبر عاملی برای ایجاد فاصله عاطفی بین زوجین است. برخی مردان فکر می‌کنند چون مرد هستند باید طوری برخورد کنند که ابهت کاذبشان شکسته نشود و این نوع تفکر منجر به نوعی کبر و غرور، و دیواری عاطفی بین خود و همسرش می‌شود. این نوع رفتار می‌تواند عوامل

۱. «قول الرجل للمرأة: «إني أحبك» لا يذهب من قلبه أبداً» (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۶۹، ح ۵۹).

۲. افزربایچانی و همکاران، روان‌شناسی اجتماعی یا نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۹.

۳. «ألا أخبركم بشرار رجالكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله، فقال: إن من شرار رجالكم ... الأكل وحده ...» (محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده، ص ۲۶۸، ح ۲۲۶).





دیگری مانند مال و ثروت، علم و تحصیلات دانشگاهی، زیبایی و ... داشته باشد. شخص متکبر از دوست بی‌بهره است^۱ و مهم‌ترین دوستی را که شخص متکبر ممکن است از دست بدهد همسر خویش است. زن و مرد در فضای خانه به غیر از همسر خویش، کس دیگری را مایه آرامش ندارند و این امر مقتضی وجود رابطه‌ای گرم و صمیمی است که بتواند نیازهای عاطفی آنها را برطرف سازد. رفتارهای متکبرانه هیچ‌گاه این نیاز را تأمین نخواهد کرد و عدم توجه به نیازهای روانی و عاطفی همسر جز رنجش خاطر ثمره‌ای نخواهد داشت.

دوم) عدم شکرگزاری نسبت به همسر:

امام سجاده علیه السلام در حدیثی از تشکر به عنوان حق کسی یاد می‌نماید که کار خیری را برای دیگری انجام داده است. ایشان می‌فرمایند: «حق کسی که به تو نیکی می‌کند، این است که از او تشکر کنی و نیکی‌اش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خداوند برایش خالصانه دعا کنی. اگر چنین کنی، بی‌گمان پنهانی و در آشکار از او تشکر کرده‌ای. وانگهی، اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی، جبران کن.»^۲

زبان تشکر، مبادرت به جبران نیکی و یاد کردن خوبی همسر، از جمله رفتارهای مثبتی است که همه به تأثیر آن در ارتباط عاطفی و زیاد شدن محبت و احترام ادعان داریم. چه کسی است که در برابر این گونه برخوردها احساس خوبی پیدا نکند. به ویژه در بین زوجین چنین احساسات مثبت به تقویت ارتباط عاطفی آنها خواهد افزود. به عکس زن و شوهرانی که همیشه به خوبی‌ها، هدایا، کمک‌های همسرشان به دید انجام وظیفه نگاه می‌کنند. و بدتر از آن زمانی که زن یا مردی به همسرش بگوید: «تا کنون هیچ خیری از تو ندیده‌ام.» امام صادق علیه السلام درباره چنین کسی فرمودند: با این سخن تمام اعمالش از بین رفته است.^۳

۱. «لیس لمتکبر صدیق» (غررالحکم، ج ۷، ۱۶۲).

۲. «أما حق ذی‌المعروف علیک فان تشکره و تذرک معروفه، و تکسبه العقالة الحسنة و تخلص له الدعاء فیما بینک و بین الله فإذا فعلت ذلک کنت قد شکرته سراً و علانیه، ثم إن قدرت علی مکافأته یوماً کافیناً» (الخصال، ص ۵۶۸، به نقل از محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۳۰۲، ۳۳۳).

۳. «أیما امرأة قالت لزوجها، ما رأیت قط من وجهک خیراً، فقد حبط عملها» (محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده، ص ۳۲۲، ح ۶۶۰).

سوم) انتظارات بیش از حد:

مرد به عنوان مسئول تشکیل، رشد و نگهداری خانواده، می‌کوشد نیازهای اساسی خود و خانواده اش را تأمین کند و زن هم در صورتی که تنها مسئولیت خانه‌داری را به عهده داشته باشد می‌کوشد فضای خانواده را آرام و مهیا کند. این ویژگی یک خانواده سالم و متعارف است و جز در مواردی که ممکن است زوجین به اعتیاد یا بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی مبتلا شوند، معمولاً چنین تلاشی مورد انتظار است. اما مشکل از آن‌جا شروع می‌شود که هر یک از زن و مرد خواسته‌ای خارج از توان همسر خویش داشته باشند. مثلاً در شرایط خاص و تنگناهای مالی، شوهر توانایی تأمین خواسته‌های زن را ندارد و یا زن، به مقدار متعارف بسنده نمی‌کند. رسول گرامی اسلام درباره چنین زنانی فرمودند: «هر زنی که در امر نفقه بر شوهرش وارد شود و او را در خارج از حد توانش مجبور سازد، خداوند هیچ عمل ریز و درشتی را از او قبول نمی‌کند مگر توبه کند و به سوی شوهرش برگردد و در حد توانش از او طلب کند.»^۱

هر یک از زوجین با استعدادها و توانایی‌هایی وارد زندگی مشترک خویش می‌شوند که احتمالاً با تجربه و مهارت افزایی در طول زندگی توسعه و تقویت پیدا می‌کند. همان گونه که خدای متعال برای انسان تکلیفی خارج از توانش قرار نداده، طلب و خواهش بندگان از یک‌دیگر نیز می‌بایست در محدوده امکانات و توانایی‌های موجود باشد. تمنای چیزی خارج از حد توان و امکانات زندگی خصوصاً از سوی زن و شوهر دست کم موجبات آزار و اذیت روحی و روانی را برای همسر فراهم می‌آورد.

چهارم) عوامل وابسته به رابطه زناشویی:

عدم ارضای کامل نیاز جنسی یکی از عوامل مهم در رنجش خاطر زوجین از یک‌دیگر است. عدم توجه به این نیاز که به عوامل متفاوتی از جمله ناتوانی،

۱. «أیما امرأة أدخلت علی زوجها فی أمر النفقة وکلفته ما لا یطیق، لا یقبل الله منها صرفاً ولا عدلاً، إلا أن توب و ترجع و تطلب منه طاقته» (تحکیم خانواده، ص ۳۴۲، ج ۶۶۲).





بی‌میلی، سردمزاجی فرد و ... مربوط می‌شود، افراد را دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به همسر و زندگی می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و آزارگری در فضای خانواده می‌شود.

گاهی اوقات ایرادگیری از هم، نارضایتی از زندگی، قهرهای طولانی مدت، بی‌احترامی به هم، تهدید به جدایی، ابراز خستگی و تمارض، از عوارض نارضایتی در تأمین نیازهای جنسی زوجین است. در متون اسلامی نیز بر اهمیت روابط جنسی میان زوجین و تأثیر هرگونه اختلال در این رابطه بر تیرگی ارتباط زن و مرد اشاره شده است. از سوی دیگر مجموعه‌ای قابل توجه از روایات معصومین علیهم‌السلام در بیان آداب و روش صحیح روابط زناشویی می‌باشد.

برخی مشکلات که باعث ایجاد اختلال در رابطه جنسی موفق و کارآمد می‌شود عبارتند از: ناکارآمدی و نداشتن مهارت در تأمین نیاز جنسی یک‌دیگر، عدم توجه به نیاز جنسی هم، ناتوانی یا اختلالات جنسی، رعایت نکردن موازین شرعی در رفتارهای جنسی که موجب آزار و اذیت می‌شود، عدم توجه به احکام شرعی و توصیه‌های بهداشتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع:

۱. قرآن کریم
۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سمت، قم، ۱۳۸۲.
۳. اتکینسون، ریتال ال و همکاران، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران، رشد، تهران، ۱۳۸۵.
۴. اعزازی، شهلا، خشونت خانوادگی، نشر سالی، تهران، ۱۳۸۰.
۵. بستان، حسین و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۵.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم، ۱۳۶۶.
۷. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، خوشرو، قم، ۱۳۸۱.
۸. راغب اصفهانی، محمدحسین، مفردات الفاظ القرآن، ذوی القربی، قم، ۱۳۷۹.
۹. شولتز، دوان پی و دیگران، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، ویرایش، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۱.
۱۱. کاپلان، هارولد و سادوک، بنیامین، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، شهرآب - آغاز، تهران، ۱۳۷۹.
۱۲. کار، آلان، خانواده درمانی، ترجمه غلامرضا تهریزی، مرنديز - نی نگار، تهران، ۱۳۸۴.
۱۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۱۴. مجلسی، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۷.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه میزان الحکمه، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۸.
۱۹. نازیپور، بشیر، همسر آزاری، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳، بهار ۱۳۸۱.
۲۰. هارلی، ویلارد اف، چهار هدیه عشق، ترجمه شمس الدین حسینی - الهام آرام نیا، نسل نواندیش، تهران، ۱۳۸۶.
۲۱. یارمحمدیان، احمد، رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی؛ تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، مؤسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۶.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی